

شاخصه‌های راهبردی حاکم بر منطق عقلانیت در مناظرات رضوی*

محسن پرویش^۱

چکیده

از ابتدای آفرینش بشری، بحث و گفتگو، از کارآمدترین روش‌ها در بیان آراء و اندیشه‌ها بوده است. این سیر تکوینی، برای انتقال آراء و عقاید ادامه داشت تا اینکه در عصر امام رضا علیه السلام با توجه به اوضاع سیاسی و فرهنگی و ظهور فرقه‌ها و مذاهب مختلف، رونق یافت و در این میان، مأمون عباسی با برپایی جلسات بحث و گفتگو، بر رونق این گونه محافل افزود. با این توصیفات، با نظر به داده‌های منابع اسلامی، در پی پاسخ به این سؤال هستیم که با توجه به علل ایجاد فضای باز فرهنگی توسط خلیفه‌ی عباسی، امام رضا علیه السلام چگونه توانست با منطق عقلانیت در مناظرات، طرف‌های مقابل خود را به قبول عقیده‌ی درست وا دارد؟ این پژوهش به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی، در پی پاسخ بدین پرسش است. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر آن است که به دلیل بها دادن مأمون به صاحبان ادیان و مذاهب و برقراری نهضت ترجمه و قدرت‌گیری گروه‌های عقل‌گرا، فرصت مناسبی به وجود آمد تا امام رضا علیه السلام با تکیه بر علم لدنی خویش، با شاخصه‌های راهبردی منطق عقلانیت، افراد مقابل خود را مجاب نموده و آنها را به پذیرش حقیقت وا دارد. در واقع ایشان با تبیین‌های عقلانی توانستند معارف ناب اسلام را به گوش جهانیان برسانند.

واژگان کلیدی: مناظرات، امام رضا علیه السلام، عقلانیت، مأمون.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۲۱

۱. دکترای تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه بین‌المللی امام خمینی رضی الله عنه قزوین، mohsen.parvish@yahoo.com

حیات انسانی، ارزشمندترین موهبت الهی به عالم هستی است. اندیشه و تعقل، شکوفه زیبای این حیات، و خلاقیت و ابتکار، میوه‌ی آن است. بنابراین هرچه تعقل و اندیشه در ساختار حیات اجتماعی نقش بیشتری داشته باشد، حیات انسانی، معقول‌تر خواهد بود. یکی از منابع اصلی تعقل و تفکر در مبانی اسلام، دستورات مؤکد خداوند متعال در قرآن و کلام اهل بیت علیهم‌السلام است که بارها جامعه‌ی انسانی را به تعقل و تفکر در امور آفریده‌شده، دعوت کرده‌اند. مصداق بارز این تفکر، بنابه فرمایش امام رضا علیه‌السلام «عبادت، به نماز و روزه نیست، بلکه عبادت، تفکر در امر خداوند عزوجل است.» (منسوب به علی بن موسی الرضا علیه‌السلام، ۱۴۰۶: ۳۸۰؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۵۵/۲) از این رو در طول تاریخ بشریت، بحث و گفتگو، همواره از مهم‌ترین روش‌های انتقال اندیشه و عقاید میان انسان‌ها بوده و در این میان، قرآن کریم به مثابه سرچشمه‌ی اصلی گفتار با بشریت که هیچ‌گاه دچار تحریف نشده و نخواهد شد، (حجر/۹) به بیان مناظرات انبیای الهی پرداخته است.

با ظهور آیین اسلام و برجسته شدن نقش کارآمدی امامان شیعه علیهم‌السلام در انتقال مفاهیم و ارزش‌های ناب الهی به مردم، بحث و گفتگو، همواره با حدت و شدت ادامه داشت تا اینکه با طبعه‌ی قرن سوم هجری و اقامت مأمون عباسی در خراسان بزرگ و فراخواندن امام رضا علیه‌السلام، بحث و گفتگو درباره‌ی حقانیت اسلام و دستورات آن، به اصلی‌ترین دغدغه تبدیل شد و امام رضا علیه‌السلام توانست با استفاده از این فرصت، به مباحثه و گفتگو با صاحبان ادیان و مذاهب پردازد و عقاید درست و صحیح را تبیین نماید و در حقیقت، طلایه‌دار بحث‌های عقلانی باشد. از این رو با توجه به حساسیت دوران امام رضا علیه‌السلام و تعداد فراوان مناظره‌های ثبت‌شده در منابع اسلامی، همچون: **الاحتجاج** شیخ طبرسی، **بحار الأنوار** علامه مجلسی و ... ما را بر آن داشت تا به دنبال پاسخگویی بدین سؤال باشیم که شاخصه‌های راهبردی عقلانیت حاکم بر مناظرات رضوی، از سوی امام علیه‌السلام برای مجاب کردن طرف مقابل گفتگو، چه بوده است؟

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به متون اسلامی (کلامی، روایی، تاریخی و ...) و تجزیه و تحلیل متن مناظره‌های امام رضا علیه السلام، به یافتن شاخصه‌های راهبردی منطق عقلانیت بر مناظرات امام با صاحبان ادیان و مذاهب پرداخته است.

در باب پیشینه‌ی پژوهش، آثار متعددی در قالب کتاب، پایان‌نامه و مقاله، به نگارش درآمده که صرفاً به ویژگی‌های مناظره‌های امام علیه السلام اشاره داشته‌اند و از منظر منطق عقلانیت محوری مناظره‌ها، کاری دقیق، علمی و مستند انجام نشده است. آثاری چون (حسینی و همکاران، ۱۳۹۷)، (غغوری‌فر و علیزاده، ۱۳۹۵)، (محمودی، ۱۳۹۴)، (ابراهیمی و محمدی، ۱۳۹۷)، (روحی برندق، ۱۳۹۶)، (رضازاده کهنگی و فارسی‌نژاد، ۱۳۹۴)، (رحیمی و سلیمانی، ۱۳۹۷)، (خواجه سروی و حسینی، ۱۳۹۳)، (اکبری، ۱۳۹۲)، (مجیدی، ۱۳۹۲)، (غفاری و باغبان‌زاده، ۱۳۹۶) و (یاری و دیگران، ۱۳۹۷) که به بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی عصر امام رضا علیه السلام پرداخته و ویژگی‌ها و شاخصه‌های مناظره‌های امام را با توجه به متن مناظره‌ها بدست آورده‌اند و اثر آخر که در قالب پایان‌نامه نگاشته شده (حسینی میرصفی، ۱۳۸۴) به شیوه‌ی مناظرات انبیاء در قرآن و امام صادق علیه السلام پرداخته و شاخصه‌هایی را بیان کرده است که می‌تواند در این مقاله راهگشا باشد، گرچه بدون تحلیل و بررسی بوده و تنها فهرست موارد را ذکر کرده است.

بنابراین در زمینه‌ی موضوع مقاله‌ی حاضر، به‌رغم مطالب گسترده و پراکنده در منابع اصلی و تألیفات و تحقیقات اخیر، پژوهش منسجم، تحلیلی و مستقل، مبتنی بر شاخصه‌های راهبردی حاکم بر منطق عقلانیت در مناظرات رضوی کاری انجام نگرفته است؛ از این‌رو ضرورت انجام چنین پژوهشی احساس می‌گردد.

۱-۱. مناظره و ارکان آن

کلمه‌ی «مناظره» از ریشه‌ی «نَظَرَ»، به معنای دیدن و نگریستن است که در برخی مواضع، بر مشارکت در دیدن و نگریستن هم دلالت دارد. علامه دهخدا در *لغتنامه* خویش، واژه‌ی مناظره را با هم نظر کردن حقیقت و ماهیت یک امر می‌داند. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۲۱۵۶۳/۱۴) راغب اصفهانی در *مفردات ألفاظ قرآن*، مناظره را از نظر لغوی، به معنای با هم نظر کردن یعنی فکرکردن در حقیقت و ماهیت چیزی می‌داند و از لحاظ اصطلاحی، مناظره را چنین تعریف می‌کند: «مناظره، گفت‌وگویی نظری است و بیان آنچه که با بصیرت درک می‌شود و نظر همان بحث است که اعم از قیاس است؛ زیرا هر قیاسی، نظر است و هر نظری، قیاس نیست.» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۱۴)

علامه مظفر نیز مناظره را به معنای بحث، مجادله و نزاع دو نفر یا دو جمع با یکدیگر در حقیقت یک موضوع می‌داند و معتقد است که مناظره در اصل قائم به دو نفر است: سائل و مجیب؛ به صورت سؤال و جواب‌هایی پیاپی و منظم است؛ یعنی پرسنده می‌کوشد خصم را به پذیرش قضایایی وادار کند و آنگاه از همان قضایای اعتراف شده، قیاسی ترتیب دهد که ناقض وضع مجیب باشد. پس سائل می‌پرسد و مجیب هم از وضع خود در جدل دفاع می‌کند و به سؤال‌های طرف مقابل پاسخ می‌دهد. (مظفر، ۱۴۲۱: ۲۳۹/۲)

فارغ از معنای لغوی و اصطلاحی مناظره از سوی لغویان، در واقع می‌توان چنین اظهار کرد که مناظره در اصطلاح، علمی است که کیفیت آداب اثبات مطلوب و نفی آن یا نفی دلیل مطلوب را با خصم بررسی می‌نماید. (بستانی، ۱۹۹۳، ۸۹۱)

از دیدگاه منابع تاریخی، بحث مناظره و گفتگوی میان دو طرف، از زمان حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان ابزاری کارآمد در تبلیغ دین به شمار می‌رفت که قرآن کریم در آیه ۱۲۵ سوره‌ی نحل بر این امر صحّه نهاده و چنین می‌فرماید: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ

بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالتِّي هِيَ أَحْسَنُ؛ با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به شیوه‌ای که نیکوتر است، مجادله کن.

در ادامه‌ی مسیر پیامبر ﷺ، ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام که ادامه دهنده‌ی طریق پیامبر خاتم بوده‌اند، همواره نسبت به برپایی جلسات علمی میان مخالفان و موافقان خویش - از آن جهت که با فهم و درک اثربخش و با هدف آگاهی بخشی، ردّ و بدل کردن اطلاعات، ایجاد نگرش مثبت در الهی بودن علم امامان و کاهش منازعات همراه بوده - همت داشته‌اند. در سیره‌ی عملی امامان شیعه علیهم‌السلام می‌توان به مناظرات مهم عصر امام باقر علیه‌السلام - مناظره‌ی حضرت با هشام بن عبدالملک پس از اجرای مراسم حج دربارہ‌ی خوراک مردم در صف محشر برای حساب و کتاب اعمال در سال ۱۰۶ ق با توجه به آیه‌ی ۵۰ سوره‌ی اعراف - اشاره کرد که باعث شد مخالفان حضرت نتوانند کاری از پیش برند (طبرسی، ۱۴۰۳: ۳۲۳/۲ و ۳۲۴) همچنین مناظرات امام صادق علیه‌السلام با زندیقان، رهبران معتزله و زیدیه که سعی داشتند اصول و مبانی حقیقی اسلام را بشناسانند. (طبرسی، ۱۴۰۳: ۳۳۱/۲-۳۸۵) این امر تا عصر امام رضا علیه‌السلام و امام جواد علیه‌السلام به علت جوّ علمی حاکم از سوی معتزله بر دستگاه خلافت عباسی و حمایت خلفا از آن، گسترش یافت و باز هم امامان علیهم‌السلام با استناد به دلایل عقلی و استدلالی، بر مخالفان خویش پیروز شدند.

۱-۲. عقلانیت

اصطلاح «عقلانیت» معادل ریشه‌ی (Ratio)، به معنای «نسبت» است که در فرهنگ و بستر این واژه، به معانی مختلف مانند معقولیت، قدرت منطقی، کیفیت و شرایط منطقی بودن، قوه‌ی استدلال و دلیل‌آوری آمده است. (Webster, ۱۹۶۲/۲/۱۴۹۰)

در واقع (Rational) یا خرد، قدرتی در مغز است که واقعیات عینی خارجی (حقایق علمی) را کشف می‌کند و آن را مقدمه‌ی رسیدن به هدف‌هایی قرار می‌دهد که بر اساس مصالحی انتخاب کرده است. (گولد و کولب، بی‌تا: ۵۸۶) از نظر ویلیام جیمز، عقلانیت

با فرآیندهای خاص تفکر، موسوم به استدلال، مترادف است. از این دیدگاه، عقلانیت انتخاب، منوط به فرآیند انتخاب کردن است. (گولد و کولب، بی تا: ۵۸۹) بنابراین مقصود ما در این پژوهش، آن است که با به کارگیری تصمیم منطقی و روش‌های صحیح همراه با استدلال و منطق، راهبرد صحیحی انتخاب گردد تا به درستی، به اهداف مورد نظر در مناظره دست یافته شود.

۲. علل رواج مناظره‌ی صاحبان ادیان در عصر امام رضا علیه السلام

۲-۱. برپایی نهضت ترجمه از سوی خلفای عباسی

با قدرت‌گیری خلفای عباسی و لزوم توجه به علوم مختلف از سوی خلفای عباسی، به ویژه از زمان منصور عباسی، نهضت ترجمه‌ی کتب غیرعربی به زبان عربی شکل گرفت و بسیاری از دانشمندان ایرانی، هندی، سریانی، رومی و ... به دار الخلافه اسلامی - بغداد - نقل مکان کرده و به ترجمه و شرح کتب طبی، ریاضی، هندسه، پزشکی، فلسفه، منطق و ... پرداختند و اربابان قلم، آن را عصر طلایی اسلام، دوره‌ی مدنیت اسلامی و عصر زرین فرهنگ و تمدن اسلامی نام نهاده‌اند. (حتی، بی تا: ۸۸؛ ضیف، بی تا: ۱۱) از این رو نهضت ترجمه در عصر عباسی و به ویژه در دوره مأمون، به عنوان یکی از عوامل شکل‌گیری و رواج مناظرات در دوره‌ی حضرت رضا علیه السلام است. در این دوره، دروازه‌های بغداد را به روی دانشمندان باز کردند تا آنها بدون توجه به ملیت و مذهبشان، بتوانند به کار ترجمه بپردازند و علت رونق آن نیز حمایت خلفایی همچون مأمون بود. (روسو، ۱۳۴۴: ۱۱۸؛ صفا، ۱۳۷۱: ۴۲)

به عنوان نمونه، مأمون از خود، بر هر کتابی که با نام او ترجمه می‌شد، علامتی می‌گذاشت و با این کار، مردم را به خواندن و فراگرفتن علوم ترغیب می‌کرد. همین حمایت او از نهضت ترجمه موجب شد تا مترجمانی از اقصی نقاط جهان، از جمله: ایران، هند، مصر و دیگر کشورها، با هر مذهب و هر زبانی، کتاب‌های خود را ترجمه و جایزه

دریافت نمایند (ابن ندیم، ۱۳۴۸: ۳۵۳؛ زیدان، ۲۰۰۱: ۲۱۶) و این میراث علمی را به جهان اسلام انتقال دادند. (طقوش، ۱۳۸۷: ۱۵۹)

ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که گرچه بیت الحکمه در دوره‌ی خلافت هارون الرشید پایه‌گذاری شد (شلی، ۱۳۷۰: ۱۵۲) لیکن این مأمون بود که بیت الحکمه را از یک کتابخانه، به یک دارالترجمه ارتقا داد. (غنیمه، ۱۳۷۲: ۸۸) بی‌شک تأثیرگذاری نهضت ترجمه از آنجا نشأت می‌گیرد که با ترجمه‌ی کتب طبی، فلسفی، ادبیات و ... افکار و عقاید جدید وارد دنیای اسلام شده و آنان را با افکار جدید آشنا نماید و در این میان، برای رسیدن به باور درست و منطقی و رفع شبهات، به سیاست فرهنگی مأمون در برپایی جلسات مناظره بیانجامد.

۲-۲. شخصیت علم دوست مأمون

مأمون زمانی به قدرت رسید که تحت حمایت اقوام ایرانی، به‌ویژه حمایت‌های فضل بن سهل بود که تبخّری بسیار در علم و دانش داشت. از این‌رو مأمون ظاهراً فردی علم دوست بود که به برپایی جلسات بحث و گفتگوی علمی میان بزرگان ادیان و مذاهب در عصر امام رضا علیه السلام همت گماشت. البته برخی از محققان، برپایی جلسات مناظره را دلیل علم دوستی شخص مأمون نمی‌دانند؛ بلکه معتقدند مأمون از آوردن شخص امام علیه السلام به این مناظرات، اهدافی را دنبال می‌کرده است:

۱. ضربه زدن به موقعیت علمی امام رضا علیه السلام: مأمون چون شور و علاقه‌ی مردم نسبت به امام رضا علیه السلام را دیده بود، می‌خواست به نحوی از این اعتبار بکاهد. از این‌رو جلسات مناظره را بین امام و سران ادیان و مذاهب تشکیل داد تا شاید آنها بتوانند امام رضا علیه السلام را از جهت علمی شکست دهند. مأمون تمام تلاش خود را در این راه، بر دو چیز متمرکز ساخت: اول آنکه سعی داشت معصومیت امام رضا علیه السلام را در اذهان خدشه‌دار کند و دوم اینکه نشان دهد امام علیه السلام تنها به این دلیل از دنیا روی گردان است که دنیا نیز از او روی گردان شده است. در مذاکرات میان امام علیه السلام و مأمون آمده است که: «... مأمون

عرض کرد: یا بن رسول الله با این قول خود می‌خواهی تواضع کنی و این امر را از خود دفع کنی تا مردم بگویند که تو بی‌میلی به دنیا و از دنیا گذشته‌ای! ... حضرت فرمود: به این قصد خود می‌خواهی مردم بگویند که علی بن موسی الرضا بی‌میلی به دنیا نکرده، بلکه دنیا به او بی‌رغبتی کرد. آیا نمی‌بینید من باب طمع در خلافت، چگونه ولی عهدی را قبول کرد؟!» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۴۰/۲؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱/۲۲۴)

۲. امام رضا علیه السلام ولایت عهدی حکومت مأمون و خلافت عباسی را پذیرفته است: پس در عین حال هم حکومت عباسی و هم خلافت عباسی مشروع است و تمام قیام‌هایی که توسط شیعیان در بلاد اسلامی، به بهانه‌ی احقاق حق خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله صورت می‌گیرد، مشروعیت ندارد؛ زیرا امام رضا علیه السلام خود ولایت عهدی حکومت عباسی را پذیرفته است و مأمون با این اقدام خود عملاً سعی داشت که از نفوذ مذهبی امام علیه السلام استفاده کند و خلافت عباسی را به صورت حکومتی مقدس جلوه‌گر سازد.

این دو اقدام را به عنوان مهم‌ترین دلیل برای راهکار نرم مأمون می‌توان در نظر گرفت و این در صورتی است که مأمون در برنامه‌ریزی بلندمدت خود سعی داشته است با استفاده از امام علیه السلام، به نوعی، به منابع قدرت امام علیه السلام نیز پی ببرد و این منابع قدرت را آشکار کند تا بتواند با برنامه‌ریزی صحیح، این منابع قدرت را از میان بردارد و قدرت پنهان شیعه را در جامعه، شناسایی و برآوردسازی کند. (جابری، ۱۳۸۹: ۳۴۵)

بنابراین با توجه به منابع و مستندات تاریخی، مشاهده می‌گردد که دربار مأمون در زمان امام رضا علیه السلام پیوسته محل برگزاری این‌گونه مباحثات بود؛ لیکن پس از شهادت امام علیه السلام، دیگر اثری از آن مجالس علمی و بحث‌های کلامی دیده نشد و این مسأله اهداف مأمون را روشن‌تر می‌سازد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۳)

۳. اوضاع اجتماعی عصر مأمون

عصر مأمون عباسی، به لحاظ سیاسی، به دلیل اقامت او در خراسان بزرگ و دوری از بغداد - مرکز دارالخلافه دنیای اسلام - گرچه با اغتشاشاتی بر سر قدرت همراه بود، لیکن وزیر باتدبیر مأمون، اوضاع را کنترل می‌کرد و از لحاظ اجتماعی، به دلیل گرایش عمومی مردم به اهل بیت علیهم‌السلام به دلیل رعایت اصول اخلاقی، ظلم‌ستیزی و دانش‌افزایی ایشان، باعث شد تا مأمون برای کنترل شیعیان و علویان، دست به اقدام جدیدی بزند و آن، دعوت امام علیه‌السلام به خراسان بود. از طرف دیگر دوران امامت امام رضا علیه‌السلام، دوران شکل‌گیری فرقه‌ها و مکاتب فکری و فقهی بود که این اتفاق نیز ریشه در سیاست فرهنگی و فکری عباسیان داشت. (رضایی آدریانی، ۱۳۹۲: ۹۹)

بی‌شک در عصری که نحله و افکار مختلف قدرت بروز یافت، مأمون نیز سعی کرد در مقام عالی‌ترین و دانشمندترین خلیفه‌ی عباسی، برخی از نظریه‌های التقاطی و تعدیل فکری را آزمایش و نهادینه کند که اهم آنها عبارتست از:

الف. سعی برای جمع کردن بین دو نظریه‌ی امامت شیعی و خلافت سنی، با واگذاری مقام ولایت‌عهدی به امام رضا علیه‌السلام

ب. سعی برای ایجاد عقلانی‌سازی اندیشه‌ی اهل سنت با حمایت از معتزله و ترویج اندیشه‌ی خلق قرآن. (رضایی آدریانی، ۱۳۹۲: ۱۰۲)

از این رو بهترین زمان بود تا مأمون برای رسیدن به اهداف خود از یک طرف با آوردن امام علیه‌السلام به خراسان بزرگ و واگذاری مقام ولایت‌عهدی حکومت به آن حضرت و از طرف دیگر با فراخواندن بزرگان ادیان و مذاهب و تشکیل جلسات مناظره در باب توحید، نبوت، معاد و... به اهداف خویش برسد؛ لیکن با هوشمندی امام علیه‌السلام این نقشه‌ی مأمون سرانجامی جز آشکار شدن شأن و منزلت امام علیه‌السلام برای همگان - از عوام و خواص - بود.

۴. مبانی عقلی حاکم بر مناظرات علمی امام رضا علیه السلام

با غور و جستجو در منابع کلامی - روایی، اهم مناظرات امام رضا علیه السلام با عمران صابی، جاثلیق، رأس الجالوت یهودی، ابوقره، سلیمان مروزی، یحیی بن ضحاک سمرقندی و هربند اکبر بود که در این میان، امام علیه السلام به عنوان یک شخصیت علمی و صاحب جاهت دینی، اصول و مبانی عقلانی را به کار برده‌اند که استفاده از آنها در دنیای امروز - که به عصر گفتگو و برپایی کرسی‌های آزاد اندیشی مشهور است - بسیار ضروری به نظر می‌رسد. مهم‌ترین آن اصول و مبانی عقلی در مناظرات امام علیه السلام به شرح زیر است:

۴-۱. اعطای آزادی بیان و عقیده به طرف مورد مناظره

از ویژگی‌های برجسته‌ی مناظره‌های امام علیه السلام، اعطای آزادی بیان و عقیده و به تبع آن، برخورد آرای گوناگون در اثر حضور عالمان غیر مسلمان در جلسات است. در واقع، آزادی عقیده در بیان مباحث و گفتگوها، از شاخصه‌های عقلانیت‌پذیری است که باعث بروز آرای گوناگون و درنهایت، انتخاب عقیده‌ی درست می‌گردد؛ زیرا آدمی با قدرت عقل است که خوب و بد را تشخیص داده و بر پایه‌ی استدلال‌ات عقلی، مسیر منطقی را برمی‌گزیند. با توجه به به مناظرات امام علیه السلام، پایبندی امام علیه السلام به این اصل کاملاً مشهود است. به عنوان مثال، امام علیه السلام در ابتدای مناظره می‌فرمایند: «شیعیان ما را دعوت کنید، جاثلیق مسیحی و رأس الجالوت یهودی را فرا بخوانید و از آنان بخواهید هرچه می‌خواهند، در این جلسه از من بپرسند.» (راوندی، ۱۴۰۹: ۳۴۲/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۴/۴۹)

همچنین امام علیه السلام در راستای تبیین این ویژگی مناظره‌های خود، دست طرف مقابل خودشان را باز می‌گذاشتند و اجازه می‌دادند هر سؤالی که دارند را بپرسند و به طرف مقابل فرصت سؤال و اجازه‌ی دفاع از خود را می‌دادند. به عنوان مثال، در یکی از مناظرات، جاثلیق گفت: «مطلبی را که از انجیل برایم روشن کند، انکار نمی‌کنم؛ بلکه

بدان اذعان دارم. امام رضا علیه السلام فرمودند: شاهد بر اقرار او باشید. سپس حضرت فرمودند: آنچه می‌خواهی بپرس.» (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۴۲۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۱۶۸/۲)

۴-۲. تسلط بر زبان فرد مقابلِ مناظره کننده

از شاخص‌های اصولی دیگر در عقلانی کردن محور گفتگوها، تسلط بر زبان فرد مقابلِ مناظره کننده است، تا گفتگوها در فضای صمیمی و درست جریان یابد. از این رو امام رضا علیه السلام بنا به مقتضای مقام امامت و رهبری معنوی جامعه‌ی مسلمانان، با زبان‌های سایر اقوام و ملت‌ها آشنایی تام داشته‌اند؛ به گونه‌ای که اباضت نقل می‌کند که امام علیه السلام با افراد، به زبان خودشان گفتگو می‌کردند و به خدا قسم! فصیح‌ترین و عالم‌ترین اشخاص به هر زبان و لغتی بود؛ به همین دلیل از امام علیه السلام پرسیدم: من در شگفتم که شما به تمامی لغات با اختلافاتی که دارند، این طور تسلط و آگاهی دارید! حضرت فرمودند: «ای اباضت! من حجت خدا بر بندگان اویم و خداوند حجتی بر قومی بر نمی‌انگیزد که زبان آنان را نفهمد و لغاتشان را نداند.» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲۲۸/۲؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۳۲۹/۲)

در جایی دیگر، حسن بن نوفلی نقل می‌کند که چون مأمون از مجلس مناظره‌ی امام با بزرگان مذاهب و ادیان مختلف خبر داد، ترسیدم و به امام علیه السلام عرض کردم: چگونه بر آنان پیروز خواهی شد؟ امام علیه السلام فرمودند: «من با اهل تورات به توراتشان، با اهل انجیل به انجیلشان، با موبدان به شیوه‌ی پارسی‌شان، با رومیان به روش خودشان و با اهل بحث و گفتگو به زبان‌های خودشان استدلال کرده، همه را به تصدیق خود وا دارم.» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۵۵/۱ و ۱۵۶؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۴۱۶/۲)

مشخص است که تسلط بر زبان طرف مقابلِ گفتگو دو مزیت برای فرد دارد: اول آنکه به پیچیدگی‌های زبان طرف مقابل مسلط بوده و جای هرگونه سوء استفاده‌ی احتمالی فرد را می‌گیرد و دوم آنکه نزدیکی زبان‌ها و صحبت کردن به یک زبان مشترک، باعث می‌شود تا صمیمیت و میزان باورمندی عقاید صحیح افزایش یابد و فرد، آن را قبول و باور نماید.

۴-۳. جدال أحسن

از دیگر شاخص‌های عقلانی‌محور در مناظره‌های امام رضا علیه السلام، انجام آن به روش جدال أحسن است. واژه‌ی «جدال» در لغت به معنای گفتگوی خصمانه میان دو طرف بیان شده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۳۳/۱؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۷۹/۶)

صاحب مفردات قرآن کریم، واژه‌ی «جدل» را چنین معرفی می‌کند: «مجادله که از لفظ جدل مشتق شده، به معنای آن است که دو نفر بر هم پیچیده‌اند و هر یکی، دیگری را با سخن و رأی خود می‌پیچاند، و نیز گفته‌اند که اصل در جدال، زمین زدن و کشتی گرفتن است که یکی دیگری را بر زمین سخت که همان «جَدَّالَه» است، ساقط می‌کند؛ به عبارت روشن‌تر، گفتگوی با نزاع و ستیزه و چیرگی بر یکدیگر را مجادله می‌نامند.» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۸۹) بنابراین مجادله در معنای خاص خویش، به گفتگو و مناظره میان دو طرف، در جهت اثبات حق بر باطل اطلاق می‌گردد که مورد توافق اندیشمندان این علم است و قرآن نیز بدان صحه می‌گذارد. (نحل/۱۲۵)

بی‌شک بر اساس دیدگاه مفسران، بالاترین و بهترین مناظره آن است که از نظر عقلی، فرد مقابل، وادار به پذیرش عقیده‌ی درست شود (میدانی، ۱۴۱۹: ۳۶۳) از این رو این مشخصه، از شاخص‌های بارز مناظره‌های امام رضا علیه السلام است تا جایی که جدال أحسن امام در مقابل جاثلیق، رأس الجالوت، عمران صابی، هرید اکبر و ... که آمیخته با استدلال‌های عقلی و استناد به منابع قابل قبول طرف مناظره بود، باعث شد تا افراد مقابل امام مجاب شوند و علاوه بر اعتراف به علم امام، شخصی چون عمران صابی، اسلام آورد. (طبرسی، ۱۴۰۳: ۴۲۵/۲)

از منظر امام رضا علیه السلام جدال أحسن، دارای سه مشخصه‌ی بارز و اساسی است:

۴-۳-۱. به کارگیری استدلال‌های عقلی در مناظره

از شاخصه‌های جدال أحسن، به کارگیری استدلال‌های عقلی مناسب با فهم و درک طرف مقابل در گفتگوهاست؛ به عبارت دیگر، فرد مناظره‌کننده باید در مناظرات خویش،

به دلایل متقن و قابل قبول، استناد جوید و در صورتی که طرف مقابل او، برای پیشبرد مناظره، از دلایل سست استفاده کند، مجوزی برای توجیه استناد او از چنین دلایلی نمی‌گردد. به عنوان مثال، در استناد به روایات باید از روایات صحیح استفاده کرد و از استناد به روایات جعلی یا ضعیف، به شدت خودداری نمود. این امر در مناظرات امام رضا علیه السلام با سلیمان مروزی و علی بن جهم در باب عصمت انبیاء به خوبی مشهود است. (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۹۱-۹۳؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۲/۴۲۶-۴۳۱)

بی‌تردید از محورهای عقلانیت امام علیه السلام در مباحث خویش، برای مواجهه با جریان‌های فکری و سیاسی عصر خود، اهمیت به تفکر و به کارگیری استدلال‌های عقلی می‌باشد. علت اینکه حضرت علیه السلام در مناظرات خود، از استدلال‌های عقلی بیشتر استفاده می‌کردند این بود که این استدلال‌ها عمومیت داشت و همه‌ی اشخاص عاقل و بالغ، آن را درک کرده و می‌پذیرفتند. به عنوان مثال، در مناظره‌ای، ابن‌سکیت از ایشان پرسید: «امروز حجت خدا بر جهانیان کیست؟ حضرت فرمودند: عقل، حجت او بر آفریدگان است؛ زیرا آن کسی است که نسبت به خداوند صادق است و به مدد عقل، خدا را شناخته، تصدیق می‌نماید و کسی که خدا را تکذیب می‌کند نیز، با وجود برخورداری از معرفت، او را تکذیب کرده است» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۴۵۰؛ ابن‌بابویه، ۱۳۷۸: ۲/۸۰)

۴-۳-۲. استفاده از منابع مورد قبول طرف مقابل

از دیگر مشخصه‌های عقلانیت محوری در اصل جدال أحسن، استفاده از منابع مورد قبول طرف مقابل - قرآن، احادیث نبوی و کتب عهدین - است که اینک بدان می‌پردازیم:

الف. قرآن: بی‌تردید نباید فراموش کرد که قرآن به مثابه مهم‌ترین منبع وحی، دست‌مایه‌ی بسیاری از آموزه‌های امام رضا علیه السلام و دیگر معصومان در طیف وسیعی از آموزه‌هایشان بوده است. بنابر این سخن، بهره‌مندی از آیات قرآن توسط فرد مناظره‌گر، نشانی از تسلط علمی فرد به متون دینی اسلام می‌باشد و این مهم، در مناظره‌های امام

رضا علیه السلام با سلیمان مروزی به خوبی نمایان است؛ آنجا که در این مناظره، سلیمان از بداء پرسید و آن حضرت علیه السلام فرمود: پروردگار بر حق است و از آیات قرآن شاهد مثال آورد که خداوند می فرماید: ﴿إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ﴾ (روم/۱۱) و ﴿يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ﴾ (فاطر/۱) و ﴿يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ﴾ (رعد/۴۱) و ﴿وَمَا يَعْمَرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يَنْقُصُ مِنْ عُمُرِهِ﴾ (فاطر/۱۱) و ﴿وَأَخْرَجُوا مُزَجُّونَ لِأَمْرِ اللَّهِ﴾ (توبه/۱۰۷) در این هنگام بود که سلیمان مجاب شده و قول داد که دیگر در این باب، شک و تردیدی به خود راه ندهد. (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۴۴۳؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱/۱۸۰ و ۱۸۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۲/۴۰۱) همچنین امام علیه السلام در مناظره با ابوقره، پیرامون سخن گفتن خداوند، به آیات متعددی از قرآن استناد کردند. (انعام/۱۰۳؛ طه/۱۱۰؛ شوری/۱۱؛ نجم/۱۳) (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ۱۱۱-۱۱۲)

ب. حدیث نبوی: حدیث نبوی، به عنوان یکی از منابع مستند و قابل قبول میان پیروان مذاهب اسلامی است؛ زیرا در میان پیروان اسلام - فارغ از هرگونه فرقه و گروه‌بندی - برخی موارد، همچون: خدای یگانه، پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، قرآن، قبله، فرهنگ زیارت حج، اعیاد مشترک و ... باعث نزدیکی و التزام علمی و عملی می‌گردند که در این میان، کلام نبوی شاخص است و امامان معصوم علیهم السلام به فراخور موقعیت خویش، بارها در کلام خود، بدان استناد جسته‌اند. از این رو می‌بینیم که امام رضا علیه السلام در مناظره با عبدالسلام بن صالح هروی، با استناد به حدیث نبوی، این حدیث که اهل حدیث نقل می‌کنند: «اهل ایمان، از منازل و مقامات خود در بهشت، خدا را زیارت می‌کنند» را مورد تحلیل منطقی خود قرار داده و فرد مقابل خود را مجاب می‌کنند. (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۱۱۷؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۲/۴۰۸ و ۴۰۹؛ بحرانی، ۱۳۷۴: ۵/۵۳۸)

ج. کتب عهدین: کتب عهدین، شامل تورات، انجیل، کتاب انبیای بنی اسرائیل و شرح آن تلمود است که از متون اصلی مورد قبول و وثوق میان ادیان مسیحیت و یهودیت است و مشخص است که بهره‌مندی از این کتب توسط امام علیه السلام در مناظره‌ها، علاوه بر نشان‌دادن علم و دانش امام، باعث قبول حرف امام توسط بزرگان ادیان دیگر می‌شود. از این رو

امام علیه السلام در مناظره با بزرگ یهودیان و مسیحیان، استناد به عهدین (متون دینی) آنان کرده است (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۴۱۸؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۱۶/۲) (۴۱۶/۲)

پیش از هر چیز باید توجه داشت که در نمونه‌های موجود از این گونه استناد در احادیث حضرت، ارجاعات ایشان از آن روی بوده است که آنان را بر پایه‌ی ارجاع به کتب آسمانی مورد قبول خود، اقناع کند؛ همچنین باید توجه داشت که در این گونه ارجاعات منقول از امام رضا علیه السلام، اگر اصل انتساب آنها به حضرت مفروغ عنه تلقی شود، در فقراتی که به آنها ارجاع می‌شود، انتظار می‌رود دو ویژگی وجود داشته باشد؛ از یک سو استنادکننده، یعنی امام، زمانی که به عنوان بخشی از یک کتاب مقدس بدان ارجاع می‌دهد، به اصالت آن به عنوان کتابی آسمانی و منبعی وحیانی باور داشته باشد و از سوی دیگر، مخاطب حضرت، به آسمانی و وحیانی بودن آن معتقد باشد. (ر.ک: پاکتچی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲/۴۲۰)

۴-۳-۳. مخاطب‌شناسی طرف مقابل گفتگو

گام اساسی دیگر در بحث جدال احسن، مخاطب‌شناسی است. به عبارت دقیق‌تر، از ویژگی‌های پیامبران و معصومان علیهم السلام آن بود که در گفتگوهای خویش، به سطح استعداد و میزان عقل مخاطب توجه می‌کردند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «ما پیامبران مأمور شده‌ایم که با مردم بر اساس سطح فکر و عقل آنها سخن بگویم.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۳/۱؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۴۱۹) بنابراین بر اساس این کلام نبوی، امامان معصوم علیهم السلام که تالی‌ت‌تو پیامبر صلی الله علیه و آله و مبین احکام دین هستند، بدین امر توجه وافر داشته و در مناظرات خویش بدان توجه داشته‌اند. امام رضا علیه السلام نیز در مناظره با یحیی بن ضحاک سمرقندی و دیگر علمای عامه در مجلس مأمون، استدلال‌های عمیق و پیچیده‌ای در اثبات عدم حقانیت خلافت خلیفه‌ی اول ارائه می‌فرمایند، (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱/۲۳۱ و ۲۳۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱/۳۵۱ و ۳۵۲) اما در موارد دیگر با درکی صحیح از استعداد و توان مناظره‌گران و با در نظرگرفتن فضای فکری و فرهنگی حاکم بر آنان، هیچ‌گاه وارد مباحث

پیچیده‌ی علمی نشدند و مشکلات عقیدتی آنان را با ظرافت پاسخ می‌دادند؛ چنان‌که در احتجاج با عبدالعزیز بن مسلم و موارد دیگر، به تناسب فکری مخاطب خویش، براهین ساده‌تری به کار می‌بردند. (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ۶۷۴-۶۸۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۲/۴۳۳-۴۳۶)

۴-۴. عدم نقد اشخاص

از شاخص‌های مهم دیگر عقلانی‌سازی مناظره‌ها، عدم نقد اشخاص است. در حقیقت، مناظره‌ای از اصول عقلانی تبعیت می‌کند که به‌جای نقد اشخاص، به دنبال حقیقت‌جویی و حق‌گرایی باشد. این اصل، به خوبی در میان مناظرات امام علیه السلام هویدا است؛ به گونه‌ای که در تمام مناظره‌ی امام با بزرگان ادیان و مذاهب و حتی اشخاص عادی، هیچ‌گاه به نقد افراد نمی‌پرداختند؛ بلکه تنها به دلایل و استدلال‌ات توجه می‌کردند.

بنابراین عدم نقد اشخاص، مستلزم آن است که فرد در مناظره از سعه‌ی صدر بالایی برخوردار باشد؛ چنان‌که در هیچ‌یک از مناظرات امام علیه السلام نیز دیده نمی‌شود که ایشان مخاطبان خود را دروغگو خطاب کنند؛ بلکه در عین لطافت، نکات اشتباه و یا احتمالاً انحراف آنان را گوشزد می‌کردند. این سخن حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام که می‌فرمایند: «أَنْظُرُ إِلَى مَا قَالَ وَ لَا تَنْظُرُ إِلَى مَنْ قَالَ»؛ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۷۴۴) «بین چه چیزی می‌گویند و نبین که چه کسی می‌گوید»، در سیره‌ی امام رضا علیه السلام و به‌ویژه در مناظرات ایشان دیده می‌شود؛ به نحوی که هیچ‌گونه تعصبی در مناظره‌ها نشان نمی‌دادند و به جای نقد افراد، به اشکالات سخنان آنها، پاسخ منطقی و مستدل می‌دادند.

۴-۵. رعایت اصل انصاف و عدالت در گفتگو

از شاخصه‌های دیگر عقلانیت‌محوری در مناظرات امام علیه السلام، رعایت انصاف و عدالت در گفتار (یعنی به رقیب، آزادی تغییر موضع دادن) است؛ زیرا زمانی که هدف از مناظره، کشف حقیقت باشد، پس باید به رقیب اجازه داد تا دلایل خود را آن‌گونه که می‌خواهد، بیان کند و مقدمات استدلال خود را به هر شکل که می‌پسندد، بچیند. در این روند، گرچه

ممکن است رقیب، هر لحظه دلیلی را جایگزین دلیل قبلی نماید، اما نباید مانع وی شد؛ زیرا چه بسا رقیب احساس کند دلیلی که بر مدّعی خود آورده است، از قوّت کافی برخوردار نیست و لذا ترجیح می‌دهد که برای اثبات مدّعی خود، از دلایل تازه‌تری بهره‌جوید. مناظره‌گری که این مسأله را دریافته است، اگر قصدش تنها و تنها پیروزی بر حریف باشد، این تنگنا را به سود خود می‌بیند و حریف را ملزم به حفظ مواضع خویش می‌کند؛ اما اقتضای انصاف و عدالت‌گری آن است که در این حالت، این امکان به حریف داده شود تا موضع استوارتری اتخاذ کند. (اسلامی، ۱۳۸۹: ۲۶۶) به عنوان مثال سلیمان مروزی که در مناظره‌ی خویش با امام علیه السلام، با تغییر موضوع و به اصطلاح از شاخه‌ای به شاخه‌ی دیگر وارد می‌شد، باعث عصبانیت مأمون و فریاد او بر سر سلیمان شد؛ لیکن امام علیه السلام فرمودند: رهایش کن و سخنش را قطع مکن؛ چون آن را دلیل حقانیت خود می‌داند. (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱/۱۸۳؛ حلی، ۱۴۲۱: ۳۷۰)

نکته‌ی دیگر این اصل در مناظره‌ی امام علیه السلام، آن است که فرد از آزادی در تغییر موضع، سوء استفاده نکرده و با جحد و انکار، علی‌رغم اثبات حق، از پذیرش آن سربیزی ننماید؛ مانند ابوقره مسیحی که به قصد غلبه در مجلس مناظره امام وارد شد و هنگامی که با پاسخ‌های قوی و استوار امام روبه‌رو گشت، با شتاب مجلس را ترک نمود. (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲/۲۳۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۲/۴۰۸) همچنین امام علیه السلام بارها در مناظرات، رعایت اصل انصاف را به طرف مقابل گوشزد می‌کردند، تا مناظره مسیر عقلانی خویش را طی نماید؛ چنان‌که در یکی از مناظراتشان با عمران صابی فرمودند: «سوال کن اما عدالت را از دست نده و از کلمات ناموزون و انحراف از اصول انصاف پرهیز.» (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۴۳۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۲/۴۲۴) بنابراین اصل انصاف و عدالت، به خوبی در مناظره‌های امام علیه السلام به اجرا درآمده و مناظره در کمال عقلانیت انجام شده است.

۴-۶. اصل مدارا و تسامح دینی

اصل رفق و مدارا و تسامح دینی، از دیگر شاخص‌های عقلانی‌محور در گفتگوهای امام علیه السلام با پیروان سایر ادیان و مذاهب است. شاید به جرأت بتوان اظهار نمود که بزرگ‌ترین ضربه‌هایی که دین‌داری و دین‌باوری در طول تاریخ هزارساله‌ی تمدن اسلامی از سوی خود دین‌داران و حامیان متعصب مذهبی دیده، همین روحیه‌ی سخت‌گیری (تعصب و غرض‌ورزی بی‌جا) و عدم تسامح دینی است؛ درحالی‌که به روایت صفحات تاریخ، شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه‌ی اطهار علیهم السلام از کسانی بوده‌اند که در گفتگوهای خود با افراد مسلمان و غیر مسلمان - از کافران و مشرکان - به مقتضای منطق عقلانیت، از عنصر مدارا و تسامح دینی بهره برده‌اند. (گواهی، ۱۳۷۶، ۷۹) در مناظرات امام رضا علیه السلام نیز مشاهده می‌شود که با نهایت منطق عقلانیت‌گرایی با بزرگان ادیان و مذاهب مسیحی، یهودی، صابئی و زرتشتی، ابن ابی‌نجران و صفوان (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷۲/۴۹)، اهل سنت و ... مناظره کرده و عقیده‌ی درست را به همگان اثبات کرده‌اند.

بی‌تردید، سلوک آن حضرت با سران ادیان و مذاهب دیگر، به گونه‌ای بوده است که برخی از آنان با وجود اعتراف به اشتباه خویش در مسائل کلامی و حتی اعتقادی، با آن حضرت مباحثه می‌کردند. با این وجود آن بزرگوار، به دور از هرگونه تعصب، به تسامح با ایشان برخورد می‌کردند. (یاری و دیگران، ۱۳۹۷: ۴۹) البته قابل ذکر است که رویکرد تسامحی آن حضرت، منحصر به جنبه‌های شخصی بود، اما در خصوص مبانی اصولی، مانند مبحث امامت و توحید، شاهد برخورد قاطع، صریح و بدون کمترین تسامح، حتی با شخص مأمون، هستیم. (یاری و دیگران، ۱۳۹۷: ۵۰؛ مفید، ۱۴۱۳: ۳۸ و ۳۹)

از شاخص‌های دیگر عقلانیت‌محوری در مناظره‌های امام رضا علیه السلام، دعوت به تعقل در پرسش است. چنان‌که در مناظره‌ی خویش با عمران صابی، با مطرح کردن سؤالاتی در پاسخ به سؤال اصلی عمران، هشت‌بار او را به تعقل کردن ارشاد و راهنمایی فرمودند. (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۴۳۰-۴۴۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰/۳۱۰-۳۲۹)

نتیجه گیری

۱۰۵

دوران امام رضا علیه السلام به دلیل رونق نهضت ترجمه و ورود دانشمندان ادیان دیگر به قلمرو اسلامی و تشکیل فرق عقل گرا، تضارب آراء و عقاید گوناگون شکل گرفت و در این میان، مأمون به دلیل اهدافی که در پی آن بود، امام علیه السلام را از مدینه به خراسان فراخواند و با تشکیل جلسات مناظره، سعی در کاهش محبوبیت ایشان در میان مردم داشت؛ لیکن امام علیه السلام از این فرصت بهره برد و در نیشابور و مرو، با برپایی جلسات مناظره در منزل خویش و نیز مناظره‌های با پیروان ادیان بزرگ، نه تنها زمینه‌ی بروز عقاید فاسد و غلط را به احدی نداد، بلکه با استناد به دلایل عقلانی و استفاده از منابع مقبول دوطرف و شاخصه‌های عقلانیت‌گرایی در مناظرات، فرهنگ ناب اسلامی را به همگان شناساند.

آنچه در این پژوهش مورد توجه و تفحص علمی قرار گرفت آن بود که ابتدا به مفهوم‌شناسی واژگان مناظره و عقلانیت پرداخته شد. سپس به علل شکل‌گیری و رواج بحث و گفتگوی میان ادیان و مذاهب در عصر امام علیه السلام، مانند: برپایی نهضت ترجمه از سوی خلفای عباسی و شخصیت علم‌دوست مأمون و سپس اوضاع اجتماعی عصر مأمون، نگاهی مختصر داشتیم و در گام اصلی مقاله، به بررسی شاخصه‌ها و مبانی عقلانیت‌گرایی در مناظره‌های امام علیه السلام پرداختیم و با بدست آوردن شاخصه‌ها، آنها را با متن مناظرات امام رضا علیه السلام تطبیق دادیم و نمونه‌های آن را ارائه نمودیم. این شاخصه‌های راهبردی عقلانی عبارتست از: اعطای آزادی بیان و عقیده به طرف مقابل در گفتگوها، تسلط بر زبان فرد مقابل در مناظره، جدال احسن، عدم نقد اشخاص، رعایت اصل انصاف و عدالت در گفتگوها، اصل مدارا و تسامح دینی و دعوت به تعقل در پرسش. بنابراین آنچه که مهم به نظر می‌رسد آن است که اندیشمندان اسلامی در دنیای امروز ارتباطات که عصر مذاکره و گفتگو نام دارد، با بهره‌مندی از اصول و شاخصه‌های راهبردی عقلانی در گفتگوها، طرف مقابل خود را مجاب کرده و از هرگونه تعصب و غرض‌ورزی و عدم مدارا و سازش غیرعقلانی پرهیزند.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، **الأمالی**، چاپ ششم، تهران، نشر کتابچی، ۱۳۷۶.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، **عیون الأخبار الرضا** علیه السلام، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، **التوحید**، تحقیق هاشم حسینی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ق.
۴. حرانی، حسن، **تحف العقول**، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۵. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد، **مناقب آل ابی طالب** علیه السلام، قم، نشر علامه، ۱۳۷۹ق.
۶. ابن فارس، احمد، **معجم مقاییس اللغة**، قم، نشر مکتبه الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ق.
۷. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، **الفهرست**، قاهره، المکتبه التجاریه الکبری، ۱۳۴۸.
۸. اربلی، علی بن عیسی، **کشف الغمه فی معرفه الأئمه**، تبریز، نشر بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
۹. اسلامی، حسن، **اخلاق مناظره**، گردآوری احد فرامرز قراملکی، تهران، نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۹.
۱۰. بحرانی، هاشم بن سلیمان، **البرهان فی تفسیر القرآن**، قم، نشر مؤسسه بعثت، ۱۳۷۴.
۱۱. بستانی، بطرس، **قاموس محیط المحيط**، لبنان، مکتبه ناشرون، ۱۹۹۳م.
۱۲. پاکتچی، احمد و دیگران، **ابعاد شخصیت و زندگی حضرت امام رضا** علیه السلام، تهران، نشر دانشگاه امام صادق علیه السلام با همکاری بنیاد بین المللی امام رضا علیه السلام، ۱۳۹۲.
۱۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد، **نورالحکم و دررالکلم**، قم، دار الکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۱۴. حلی، محمد، **مختصر البصائر**، تحقیق مشتاق مظفر، قم، نشر اسلامی، ۱۴۲۱ق.
۱۵. میدانی، عبدالرحمن حنبکه، **ضوابط المعرفه و أصول الإستدلال و المناظره**، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۹ق.
۱۶. دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه**، چاپ دوم، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین، **مفردات ألفاظ القرآن**، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۱۸. رضایی آدریانی، محمد، **آیین برنامه سازی درباره زندگی امام رضا** علیه السلام، تهران، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۹۲.
۱۹. روسو، پیر، **تاریخ علوم**، ترجمه حسن صفاری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۴.
۲۰. زیدان، جرجی، **تاریخ تمدن اسلامی**، تحقیق حسین مونس، قاهره، دارالهلال، ۲۰۰۱م.
۲۱. شبلی، احمد، **تاریخ آموزش در اسلام**، ترجمه محمدحسین ساکت، تهران، دفتر نشر

- فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰.
۲۲. صفا، ذبیح الله، *تاریخ علوم عقلی در اسلام*، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
۲۳. طبرسی، احمد بن علی، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۲۴. طقوش، محمد سهیل، *دولت عباسیان*، ترجمه حجت الله جودکی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.
۲۵. جابری، محمد عابد، *تکوین عقل عربی*، محمد آل مهدی، تهران، نسل آفتاب، ۱۳۸۹.
۲۶. غنیمه، عبدالرحیم، *تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلام*، ترجمه نورالله کسای، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۲۷. فتال نیشابوری، محمد، *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین*، قم، دارالرضی، ۱۳۷۵.
۲۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، چاپ دوم، قم، نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
۲۹. راوندی، قطب الدین سعید، *الخرائج و الجرائح*، قم، مؤسسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ق.
۳۰. کلینی، محمد، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۱. گواهی، عبدالرحیم، *درآمدی بر تاریخ ادیان در قرآن*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶.
۳۲. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، چاپ دوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۳۳. مظفر، محمد رضا، *منطق*، بیروت، دار النعمان، ۱۴۲۱ق.
۳۴. مفید، محمد، *الفصول المختاره*، علی میرشریفی، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، *مناظرات تاریخی امام رضا علیه السلام با پیروان مذاهب و مکاتب دیگر*، مشهد، نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۸۹.
۳۶. منسوب به علی بن موسی الرضا علیه السلام، *الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام*، تحقیق مؤسسه آل البيت علیهم السلام، مشهد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۶ق.
۳۷. یاری، سیاوش و اکبرنژاد، مهدی و اکبری، مرتضی و صالحی، پیمان، «*واکاوی سبک مناظراتی امام رضا علیه السلام*»، *فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام*، قم، دانشگاه باقر العلوم علیه السلام، سال ۱۹، شماره ۷۶، زمستان ۱۳۹۷، صص ۴۱-۷۷.
۳۸. Noah, websters, New twentieth century dictionary, unabridged, the world publishing company Cleveland and New york, second edition , ۱۹۶۲.

